بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست

بخش آول

تعریف اصطلاحات بازرگان ، اصناف	۱-۶
ورود ایران به عرصه تجارت بین المللی و خارج شدن تجارت از دست تجاربومی	۷-۳۸
ویژگیهای عمومی بازرگان در عصر ناصرالدین شاه، سازمان بازرگانان	۴۱ - ۸۳
عدم امنیت اقتصادی بازرگانان در عصر ناصری	۹۰-۱۰۲
چگونگی و دلایل تغییر تابعیت بازرگانان در عصر ناصری	۱۰۴-۱۱۳
بازرگانان و زمینداری	۱۱۵ - ۱۲۵

بخش دّوم :

عکس العمل بازرگانان در مقابل تسلط اقتصادی خارجیان	۱۲۸ - ۱۳۰
تحریم آّولین حربه بازرگانان	۱۳۱ - ۱۶۱
تشکیل شرکتهای بازرگانی و تجاری	۱۶۵ - ۱۹۳
بازرگانان و تشکیل بانک	۲۰۰ - ۲۱۱

سرمایه‌گذاری بازرگانان در صنایع و مقاطعه راهها وکسب امتیازاتی از دولت ناصری ۲۱۴ - ۲۳۶
وزارت تجارت و مجلس وکلای تجار ۲۵۹ - ۲۶۵
نتیجه‌گیری ۲۶۵ - ۲۷۳
پیوست ها ۲۷۴ - ۲۸۶

بسم‌الله الرحمن الرحیم

من علمنی حرفاً فقد صیرنی عبداً

حمد و ثنا خالقی راکه با جلوهٔ سراسر نورانی خود، علائم غیب و شهادت را به نعمت جمیل وجود آراست و با ظهور جمیلش پرده از جمال برافکند و به برکت برگزیدگانش فیض فیاضش را به عالمیان عطا فرمود. درود خدا بر برگزیدگانش که واسطه فیض ربوی‌اند و ظهور عالم امکان را ممکن شدند. بر خود لازم دانسته، سپاس‌بی‌کران خود را به پیشگاه اساتید گرانقدرم آقای دکتر ناصر تکمیل همایون که زحمت راهنمایی این رساله را به عهده داشتند و آقای دکتر هوشنگ اساعدلو که زحمت مشاورهٔ رساله را تقبل فرمودند، تقدیم می‌نمایم، چراکه همواره راهنمایی‌های مفیدشان در انجام تمامی مراحل این پژوهش چراغ‌راهم بود . همچنین از سایر اساتید پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی که در طول دوران تحصیل راهنمایم بودند،سپاسگزارم.امیدوارم که خداوند متعال توفیق روزافزون به تمامی پویندگان علم و دانش عطا بفرماید.

همینطور از مسؤلین پژوهشگاه علوم انسانی و موسسهٔ پژوهش و مطالعات فرهنگی وابسته به بنیاد جانبازان و همکاری آقای دکتر تکمیل همایون که بواسطهٔ یاری ایشان به اسنادی و لواندک دست یافتم کمال تشکر و قدردانی را می‌نمایم.

ضرورت تحقیق و پژوهش :

تاکنون آثاروتحقیقات زیادی در مورد نقش بازرگانان در نهضت مشروطیت به طبع رسیده است. لیکن به زمینه های این امرکمتر توجه شده است. مسلماً یکی از عواملی که سبب شرکت فعال بازرگانان در نهضت مشروطیت گردید، روابط سیاسی و اقتصادی است که بازرگانان درعصر ناصرالدین شاه با حکومت داشتند. در اثر این روابط از یک طرف بازرگانان متحمل زیانهای اقتصادی و مالی گردیدند. و از طرف دیگر در رقابت با تسلط خارجی تمامی اقدامات آنان با شکست مواجه گردید. در نتیجه بازرگانان به عنوان گروهی از منور الفکران و اصلاح طلبان از حکومت قاجاریه قطع امید کردند. از این طریق بازرگانان مشروطیت را پناهگاهی دانستند که در سایهٔ آن می توانستند اولاً منافع گروهی و طبقاتی خود را حفظ و حراست کنند واز طرف دیگر اقداماتی در جهت احیای اقتصاد ملی کشور انجام دهند. به عبارت صحیح تر می‌توانیم مشروطیت را جریانی بدانیم که در سایهٔ حمایت های مالی و اقدامات عملی آنان به پیش می رفت. لیکن این شرکت فعال بازرگانان مستلزم یک دورهٔ مقدماتی است که در این شرایط شرکت تجار در این نهضت فراهم گردید. غرض از این پژوهش،بیان موقعیت سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی ، فرهنگی بازرگانان در دورهٔ قبل از مشروطیت یعنی دورهٔ ناصری است و همینطور مشخص کردن تحولات و افت وخیزهای تجاری جامعه بازرگانان ایران که این گروه را وادار به شرکت فعال در نهضت مشروطیت کرد. در حقیقت می توانیم دورهٔ ناصری را برای بازرگانان،دورهٔ

تکاپوی آنان جهت بدست آوردن استقلال اقتصادی و سیاسی بدانیم که این حرکت به صورت مجلس وکلای تجار متبلور گردید. شکست تجار در این زمینه آنان را به نهضت مشروطیت کشانید وبه همین دلیل قبل از اینکه مجلس مشروطه تشکیل شود، بازرگانان به عنوان گروهی که قبلاً یک تجربه ناقص از مجلس داشته‌اند در مجلس مشروطه فعالانه شرکت کردند. اگرچه فعالیتها وتکاپوهای بازرگانان درعصر ناصری بیشتر جنبه اقتصادی دارد، امّا نشانه هایی از تمایلات سیاسی نیز در این فعالیتها به چشم می خورد که در نهایت منجر به بیداری و افزایش آگاهی در بین این گروه از طبقات اجتماعی دوران قاجار می گردد.

محدوده پژوهش : در این پژوهش صرفاً در صددیم موقعیت تجاری و سیاسی واجتماعی بازرگانان در عصر ناصری را بیان کنیم . بنابراین از نظر زمانی حدود پژوهش ما محدود به دوره پنجاه ساله حکومت ناصرالدین شاه می گردد (۱۲۶۴ / ۱۳۱۳ ـ ۱۸۴۷ / ۱۸۹۵).در مواقعی بنابر ضرورت تحقیق،به مسائلی‌اشاره می کنیم که زمینه های آن در دورهٔ قبل از ناصری بوده است ویا اینکه دنباله واقعه به بعد از حکومت ناصرالدین شاه نیزکشیده می شود. لیکن این مسأله بنابر ضرورت موجود است و بیشتر در صدد بیان افت وخیزهای اقتصادی و تجاری ایران درهمان **دورهٔ** پنجاه ساله ناصری هستیم . زیرا معتقدیم که تخریب اقتصادی ایران در این دوره به حد اعلای خود می رسد واز طرف دیگر تمامی کوشش ها وفعالیت برخی از حکومتیان و تجار جهت اصلاح امور اقتصادی ناکام می ماند.

منابع پژوهش : منابع این تحقیق را می توان به چند دسته تقسیم نمود. ابتداء در صدد بودیم که جهت آشنا شدن با اوضاع تجاری ایران و وضعیت بازرگانان از مجموعهٔ ارزشمند حاجی امین الضرب استفاده کنیم. لیکن کوششهای ما در دستیابی به این آرشیو نفیس ناکام ماند وتمامی اطلاعاتی راکه از این مجموعه ارائه داده‌ایم از کتب دیگر بخصوص آثار دکتر فریدون آدمیت و هما ناطق بدست

آوردیم. اما مسلماً مهمترین منبع جهت شناسایی موقعیت بازرگانان درعصر قاجار همان آرشیو امین الضرب می‌باشد.

دسته دیگر منابع،اسنادی است که با یاری جناب آقای دکتر تکمیل همایون از مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی وابسته به بنیاد جانبازان بدست آوردیم و جا دارد که در همین جا از زحمات آقای دکتر تکمیل همایون که راهنمایی این رساله را به عهده داشته اند و همینطورآقای دکتر ساعدلو که مشاورت این رساله را برعهده داشته اند تشکر وقدردانی شود . متأسفانه در این آرشیو اسناد زیادی در مورد بازرگانان در عصر ناصری بدست نیاوردم.

سومین گروه منابع، کتابهای خاطرات و سفرنامه‌ها می‌باشد که توسط دولتمردان و یا سیاحان عصر قاجاری نگاشته شده است. در این منابع اطلاعات ذیقیمتی در مورد اوضاع تجاری و وضعیت تجار به چشم می خورد که کمتر در سایر منابع دوره قاجار می توان به آنان دست یافت. البته بایستی در استفاده از این کتب خاطرات وسفرنامه‌ها کمال احتیاط را رعایت نمود. بخصوص اینکه در خاطرات دولتمردان معمولاً به دلایل خصومت های شخصی یک فرد با دیگری قضاوتهای نابجایی به چشم می خورد. بطور مثال می توانیم از خصومت امین الدوله با امین الضرب یاد نمائیم و یاخصومت اعتماد السلطنه با امین الضرب.

چهارمین گروه از منابع مورد استفاده،گزارشهای کنسولی سفرا وکنسولهای خارجی است. معمولاً در این گزارشها ، اطلاعات ارزشمندی در مورد اوضاع تجاری ایران به چشم می خورد. بخصوص اینکه پاره‌ای ازاین مأمورین صرفاً جهت برآورد اوضاع تجاری واقتصادی ایران عازم نقاط متفاوت کشور گردیده‌اند. آمارها وارقامی که در این کتب به چشم می خورد معمولاً در سایر منابع دورهٔ قاجاری قابل دسترس نیست. از جمله آنها، می توان از گزارش کنسول ابوت (Abbott)یاد کرد که آمارهای زیادی در مورد میزان صادرات و واردات و همینطور اوضاع تجاری ایران ارائه می دهد.

دسته دیگر منابع،رساله هایی است که توسط بعضی از اصلاح طلبان در دوره قاجار و ناصری برای

اصلاح امور اقتصادی و اجتماعی تحریر شده است. تعدادی از آنه به صورت خطی است و هنوز به زیور طبع در نیامده و تعدادی از آنان نیز به طبع رسیده است.

پنجمین دسته منابع ما تحقیقاتی است که توسط مورخان معاصر در این زمینه‌ها انجام گردیده است. بخصوص تحقیقات خانم هما ناطق ودکتر فریدون آدمیت و احمد اشرف. اگر چه بعضی از این تحقیقات با تفکرات خاصی به نگارش در آمده اند،اما حاوی اطلاعات ارزشمندی هستند که صرف نظر از تفکرات حاکم بر آنها بسیار مفید می باشند.

ششمین دستهٔ منابع این پژوهش روزنامه‌ها و نشریاتی است که در دورهٔ ناصری معمولاً در خارج از ایران به طبع رسیده‌اند البته در استفاده از این روزنامه‌ها نیز بایستی احتیاط را رعایت کرد. زیرا که هدف اصلی این روزنامه‌ها ایجاد حرکت و بیداری در بین مردم بوده است و برای رسیدن به این هدف گاهی متوسل به گزافه‌گویی نیز می‌شده‌اند.

هفتمین دسته از منابع پژوهش مجموعهٔ خطی از مجلس تحقیق مظالم موجود در دانشگاه تهران است. این مجموعهٔ در شناسایی ما از اجحافات حکام و دادخواهی مردم و تجار بسیار مهّم می‌باشد.

هشتمین دسته از منابع پژوهش، کتب جغرافیایی عصر قاجار است که در مورد شهرهای متفاوت نوشته شده‌اند. این دسته از منابع با تفکر قدیمی و غیر علمی از جغرافیا نوشته شده‌اند و در این کتب اطلاعات ذیقیمتی در مورد اوضاع تجاری و بازرگانان شهرهای متفاوت به چشم می‌خورد.

« تعریف اصطلاحات بازرگا ن ، اصناف »

در ابتدا لازم‌است که تعریفی دقیق از بازرگان و تاجر و خصوصیات کلی آنها در ایران داشته باشیم تا بتوانیم از خلط مبحثهای ممکن جلوگیری نمائیم. معمولاً در عرف عام اصطلاح بازرگان را برای انواع تجار از کوچک و بزرگ به کار می‌برند.

اصطلاح تاجرمعمولاً به گروه عمده فروش اطلاق می‌گردد. برای بقیهٔ افرادی که به نوعی در ارتباط با شغل تجارت فعالیت می کنند اصطلاحاتی از قبیل فروشنده ، بزاز، بقال و ... به کار می رود.

ویلم فلور W. Flour تجار را « گروهی جدا از اصناف میداند ومعتقد است که تجار تشکیل صنف نمیدهند هرچند انسان نمی تواند وجود عنصر صنفی مشابهی را درگروه آنها انکار نماید».[1] البته در منابع قاجاری معمولاً اصناف و تجار همیشه جدا از یکدیگر مورد توجه قرار گرفته‌اند به طوریکه بنابرقول اعتماد السلطنه در سلامهای نوروزی معمولاً تجار و اصناف درگروههای جداگانه در این مراسم شرکت میکرده‌اند. اما باید توجه داشت که درصد عظیمی از اصناف را فروشندگان تشکیل می دادند.

گرینفیلد Greenfield معتقد است که « تجار واقعی کسانی هستند که به حرفهٔ صدور و ورود کالا یا عمده فروشی در داخل کشور مشغولند. بیشتر آنها حرفهٔ صدور و ورود کالا را یک کاسه کرده برای خود کار میکنند، عمده فروشانی که به صورت واسطه بین تجار و خرده فروشان کار میکنند بنکدار وگاه تاجر هم محسوب می شوند، درحالیکه خرده فروشان نظیر صنعتگران بر طبق حرفهٔ خود در زمرهٔ اصناف

قرار گرفته‌اند».[۲]

به نظر فلور اختلاف اساسی بین تجار و اصناف این است که تجار مالیاتهای صنفی نمی پردازند وگرنه سوای این مسئله میتوانیم وجود عناصر صنفی را حتی در گروه بازرگانان نیز درک کنیم. به نظر فلور صنف (جمع آن اصناف) عبارتست از «گروهی از مردم شهرنشین که کسب یا حرفهٔ واحدی داشته از میان خود رئیسی بر می گزینند ومالیاتهای صنفی می پردازند و وظایف اقتصادی ، اجتماعی، مالی و سیاسی دارند.»[۳] بنابراین وی خصوصیات اصناف را به ترتیب ذیل بیان می کند:

۱ـ اصناف شهرنشین هستند.

۲ـ برای خود رئیسی بر می گزینند.

۳ـ مالیاتهای صنفی می پردازند.

۴ـ وظایف اقتصادی ، اجتماعی، مالی و سیاسی دارند.

اگر به این خصوصیات توجه کنیم خواهیم دید که تنها یکی از این خصوصیات بنابر تعاریف فلور برای بازرگانان واصناف درگروه بازرگانان وجود ندارد. زیرا اولاً تجار شهرنشین هستند ومعمولاً برای خود رئیسی بر میگزینند که غالباً در شکل ملک التجار متبلور میشود وثالثاً بازرگانان و اساساً بازار در ایران عصر قاجاری وظایف اقتصادی اجتماعی، مالی ، سیاسی دارد. تنها خصوصیتی که در بین بازرگانان وجود ندارد این است که آنان مالیات صنفی به آنصورت که اصناف می پردازند پرداخت نمی کنند اما به جای این مالیات صنفی انواع و اقسام عوارض و مالیاتهای کمرگی به دولت می پردازند که به مراتب از میزان مالیاتهای صنفی اصناف بیشتر است.

این مسئله که بازرگانان تشکیل صنف (Gild) نمی دهند ناشی از این تصور است که فقط گروههای صنعتگر و پیشه ور تشکیل صنف می دهند. در صورتیکه خصوصیات صنفی به طور ناقص در بین بازرگانان نیز مشاهده میشود در نتیجه نمی توان بازرگانان را جزء اصناف محسوب کرد امّا وجود عناصر صنفی را هم نمی توان در بین آنان انکار نمود.

این تعریف که بازرگانان را گروهی بدانیم که فقط به صدور و ورود کالا مشغولند یا اینکه عمده فروشی میکنند قابل پذیرش است.هرچند، از یکطرف ما شاهد فروشندگان کوچکی هستیم که در عین فعالیت تجاری،عملیات صرافی را نیز انجام میدهند. اما این فروشندگان کوچک عملاً در جرگه تجار قرار نمی‌گیرند البته این سخن بدین معنی نیست که صرافان از سرمایهٔ کمی برخوردار باشند بلکه گاهی اوقات صرافان از نظر سرمایه با تجار بزرگ پهلو میزنند. به گزارش کرزن « ۱۴۴ صراف در بازار مشهد فعالیت میکنند که جمع سرمایهٔ آنان نزدیک به یک میلیون تومان بوده و چند نفر آنان بیش از یکصدهزار تومان سرمایه داشتند.»[۴] ویا اینکه در بازار شهرهای تهران، تبریز، اصفهان ، بوشهر، شیراز و دیگر شهرهای تجاری صرافان معتبری بودند که « در سطح کشور و حتی در سطح مبادلهٔ ارزهای خارجی فعالیت داشتند.»[۵]

اساساً بدون وجود صرافان معاملات تجاری بازرگانان با اشکالات زیادی مواجه میشد. به عبارت صحیح تر صرافان بخش اعظم تجارت را از آن خود کرده بودند.مثلاً هرگاه کسی از وارد کننده‌ای کالائی بخرد، برای وارد کننده براتی به مقصد صراف خود میکشد،معمولاً هر بازرگانان انجام فعالیتهای صرافی خود را به یک صراف مشخص و گاه نماینده‌ای از خود ارجاع میداده است. این صراف هم به نوبهٔ خود براتی به مقصد صراف مشخص واردکننده میکشد، صراف اخیر به واردکننده اعتبار میدهد تا بسته به اینکه در شمال یا جنوب ایران باشد حساب او با حواله‌هائی مثلاً به مقصد استانبول ، تفلیس یا بمبئی تسویه شود. صرافان عملاً بر تمام معاملات پولی ایران سیطره داشتند. صرافی برای تجار بزرگ یکی از راههای کسب بود زیرا آنها به هرکاری که درآمد داشت میپرداختند.

عملاً بدون فعالیت صرافی کارهای بازرگانان با مشکل مواجه میشد. بنابر نوشتهٔ هما ناطق صرافان در کار استفاده از برات نقش بسزائی داشتند. به طوریکه می نویسد« شیوهٔ کار با برات این بود که بازرگانان به مثل به شریکش در یزد تنخواه حواله میداد. آن شریک به عهده میگرفت که در فلان مدت حوالهٔ درخواستی را به خریدار یا فروشنده بدهد.در این مرحله مبلغ برات پس از کسرو صرف از تومانی صد

دینار الی ده شاهی تفاوت میکرد. آنگاه خریدار پشت برات رسیده را مهر می‌کرد. اگر به مثل در یزد برات نبود از تهران حواله میکرد یا اینکه دربازار تهران برات آن شهرستان را میخریدند و به صراف می‌سپردند تا این برات را به رؤیت محال علیه یعنی گیرنده برساند. این شخص پس از رؤیت یا می‌پذیرفت وبرعهده می گرفت که در رأس مدت پرداخت کند ویا نکول میکرد در این صورت برات به تهران باز می گشت ومعامله از سرگرفته می شد. نقدینه‌ای که بازرگان همراه خود داشت همواره از میزان پرداخت و دریافت معامله کمتر بود پس برای تأدیه وجوه و حواله بر سرصراف و خرده فروش عمل می کردند. اگر درکارسازی برات فاصلهٔ زمانی می‌افتاد یا بازرگان به ناچار می‌بایست از بابت همین فاصله مقداری بهره به صراف بپردازد ویا صراف به بازرگان »[۶].

بنابراین اگرچه عملاً بازرگانان گروهی متفاوت از اصناف و صرافان می باشند امّا باید توجه داشت بنابر نوشتهٔ دایره المعارف ایرانیکا « فعالیتهای اقتصادی اصناف بوسیله تجار عمده فروش کنترل می‌شده است.»[۷] یا به عبارت صحیح تر اصناف مصنوعات خود را دراختیار تجار قرار می دادند و دراین مورد گاهی قراردادهایی بین یک تاجر و تعداد زیادی از اعضای یک صنف بسته می شد. گوبینو می نویسد « اصناف در درجه اّول متکی به بازرگانان هستند که برای آنها کار می کنند بطور کلی می توان گفت که بازرگانان ایرانی در باب طبقات اصناف هستند.»[۸] ازطرف دیگر انجام فعالیتهای تجاری بدون درنظر گرفتن فعالیت صرافی مشکل می‌باشد البته گاهی این عملیات صرافی را خود تجار انجام میدادند.

به نظر دهخدا بازرگان کسی است که سوداگر باشد بطوریکه می نویسد «بازرگان به کسی که لایق بازار باشد (می گویند)، مرکب می باشد از لفظ بازار که معروف است واز لفظ «گان» که برای لیاقت است، مخفف بازارگان است که سوداگر باشد»[۹]. در نظر وی بازرگانان نیز از اصناف می باشند به طوریکه می‌نویسد « در تداول علم اجتماع اصناف بر قشرهائی از مردم اطلاق می شود که از لحاظ حرفه و پیشه با هم متمایز باشند چون عطاران، برزگران، بقالان، بازارگانان، آموزگاران و...»[۱۰]

در جای دیگر از قول نویسندهٔ تاریخ یمینی می‌نگارد «اصناف تجار روی به غزنه آوردند»[۱۱] بنابراین عملاً دهخدا تفاوتی بین اصناف و بازرگانان مشاهده نمی کند. این گفتهٔ دهخدا بیان کنندهٔ

تفکرات پیشینیان در مورد بازرگان می باشدهر چندکه نمی توان سخن آنها را به طورکامل بنابر دلایلی که ذکر شدنده‌پذیرفت.

دراین رساله در صدد بیان موقعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی بازرگانان عصر ناصری هستیم. اگر چه معتقدیم بازرگانان گروهی متفاوت از اصناف می باشند که به شغل واردات و صادرات ویا به عبارت صحیح تر عمده فروشی مشغولند، امّاگروه بازرگانان تا حدودی دارای خصوصیات صنفی اصناف نیز هستند وبه دلیل رابطه تنگاتنگی که بین حرفهٔ بازرگانی با صرافان و اصناف وجود دارد در مواقع ضروری اشاراتی نیز به اصناف وصرافان داریم.

یاد داشتها

۱.ویلم،فلور، **جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران درعصر قاجار**، ترجمه ابوالقاسم سری، جلد دّوم، توس، ۱۳۶۵ ، ص ۳۲ .

۲.همان منبع، ص ۳۲ .

۳.همان منبع، ص ۳۴ .

۴.جرج ، کرزن ، ن ، **ایران وقضیه ایران** ، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی ـ شرکت انتشارات علمی وفرهنگی، جلداّول ، ۱۳۶۷ ص ۱۶۷ .

۵.**تاریخچه سی سالهٔ ملی ایران**، بانک ملی ایران، تهران ، ۱۳۳۸ ، ص ۱۹.

۶. هما،ناطق، **بازرگانان در دادوستد با بانک شاهی و رژی تنباکو**، توس ، ۱۳۷۳، ص ۲۸ .

. Iranica Ency clope dia, BĀZĀR, P, 26.

۸.دوگوبینو، **آرتور**، سه سال در ایران ، ترجمه ذبیح اله منصوری ، چاپخانه سیروش تهران ، ص ۳۴ .

۹.علی‌اکبر، دهخدا، **لغت نامه** ، ذیل بازرگان .

۱۰.همان منبع ، ذیل اصناف .

۱۱.همان منبع ، ذیل اصناف .

ورود ایران به عرصهٔ تجارت بین‌المللی و خارج شدن تجارت خارجی از دست تجار بومی

دورهٔ ناصری را می توان دورهٔ نفوذ همه جانبهٔ اقتصادی خارجیان بر ساختار اقتصادی ایران دانست. اگر چه در این دوره ما شاهد یک سری تحولات و دگرگونیهای اقتصادی هستیم اما این تحولات به تعبیر جان فورن (John Foran صاحب مقالهٔ‌ای‌درمجلهٔ Iranian studies تحت عنوان توسعه وابسته به عنوان کلید بنیادین اقتصاد سیاسی قاجار) سبب ایجـــاد توسعه و تحرکی در جامعه ایران می شوند که ایشان از آن تعبیر توسعهٔ وابسته (Dependent Develop ment) را دارد. خصوصیت اصلی این توسعه در این است که ما شاهد افزایش مبادلات تجاری وداد‌وستد می باشیم، لیکن در کل جریان اقتصادی این افزایش مبادلات اقتصادی از یک سو ، سبب وارد شدن جامعهٔ عصر

ناصری به صحنه تجارت بین المللی می گردد و از سوی دیگر تجار بومی را به واسطه ها و دلالهایی برای شرکتهای خارجی تبدیل می نماید.

برای درک عمیق نفوذ اقتصادی خارجیان در ایران،باید اندکی به عقب برگردیم ومسائل اقتصادی ایران را از زمان انعقاد عهدنامهٔ گلستان و ترکمنچای مورد بررسی قرار دهیم. چنانچه می دانیم در قرارداد الحاقی به عهدنامه ترکمنچای میزان عوارض گمرکی از تمام کالاهای وارده به ایران پنج درصد مشخص گردید وبلافاصله بعد از مدتی، دیگر کشورهای اروپایی مانند انگلستان و ... خواستار چنین حقی برای خود گردیدند. در صورتیکه بازرگانان بومی از این حق محروم بودند. بطوریکه کرزن می نویسد: «از تجار خارجی ۵ درصدبنابر ارزش جنس عوارض گمرکی اخذ می شود، بازرگانان ایرانی از ۳ تا ۸ درصد ویاکمی بیشتر بسته به موارد مختلف می پردازند.»[۱] همین مسأله سبب ایجاد تسهیلاتی برای واردات انبوه کالاهای اروپایی به ایران گردید. جان فورن نیز به این معنی گواهی می دهد. اما تاجر ایرانی برای واردکردن یا صادرکردن کالایی مجبور بود هم عوارض گمرکی بپردازد وهم عوارض راهداری ، مثلاً بین انزلی و اصفهان ٦ ایستگاه راهداری در رشت، قزوین ، تهران ، قم ،کاشان، و اصفهان بود و همین طور مالیاتهای دلبخواه دیگری نیز توسط حکام از بازرگانان ، تحت عنوان « قپان داری »[۲] وغیره گرفته می شد. در صورتیکه تجار خارجی از هرنوع مالیات از این نوع معاف بودند و فقط در زمان ورود پنج درصد از آنها عوارض گمرکی اخذ می گردید. این مسألهٔ عوارض گمرکی و تسهیلاتی که برای تجار خارجی در نظرگرفته شده بود،اولین مانع بر سر ایجاد یک تجارت سالم بومی بود. البته روسها بعداً حتی به عوارض گمرکی به میزان ۵ درصد نیز اعتراض کردند وبنا بر عهدنامه جدیدی که با دولت ایران منعقد نمودند،قرار شد که :«بعضی از حقوق گمرکی واردات بر اساس وزن تعیین شود زیراکه پنبه روسیه سبک تر از پنبه انگلستان بود وبدین ترتیب روسیه موفق گردید حقوق گمرکی مواد نفتی که از روسیه وارد ایران می گردید و همینطور شکر را به ۲ تا ۴ درصد برساند»[۳] درگزارشی که کنسول « ابوت» برای وزارت خارجه انگلستان فرستاده، به این مسأله توجه گردیده

است. بطوریکه حتی در مواردی بازرگانان ایرانی مجبور بودندکه نیمی از سرمایه خود راصرف پرداخت هزینه عوارض گمرکی و دیگر حقوق دولتی بنمایند. نتیجه طبیعی یک چنین شرایطی تسلط سرمایه خارجی در جامعهٔ ایران بود.

این وضعیت گمرکی کشور بارها مورد اعتراض تجار و بازرگانان بومی قرارگرفت. بطوریکه قزوینی در « قانون » خود می نگارد: « اشیاء غیر در ممالک روس راه ندارد، در مدت بازار مکاره (در روسیه) آنچه اشیاء از هرجانب بیاید مانع نیست، دلیل اینکه اگر مانعی باشد بازار مکاره نمی ماند، لیکن قراری درگمرک گذارده که سالی دو کرور منفعت دولت حاصل می‌شود.»[۴] در صورتیکه در ایران وضعیت برعکس این است.

دبیر سفارت انگلستان در این باره می نویسد: « هرچقدرهم که موقعیت تجار خارجی در ایران نامساعد باشد وضع آنان به هیچ وجه قابل مقایسه با طبقات پیشه ور ایرانی نیست که به خاطر دلبخواهی بودن مالیاتها، نظام ویرانگر اخذ عوارض از کالاهای عبوری در شهرها و عوارض راهداری قادر به گسترش فعالیتهای تولیدی خود نیستند. به نظر من باید عوارض گمرکی یکسانی از تجار ایرانی و تجار فرنگی اخذ شود، عوارض گمرکی کالاهای عبوری از شهرها به کلی ملغی گردد. عوارض گمرکی واردات از ۵ درصد به ۸ درصد افزایش یابد و عوارض گمرکی صادرات رفته رفته کاهش یابد تا سرانجام ملغی گردد[۵]».

این شرایط ممتاز باعث تشویق تجار خارجی و شرکتهای آنان بخصوص شرکتهای روسی وانگلیسی برای سرمایه گذاری در امر تجارت با ایران گردید. که به دنبال خودزیاده طلبی خارجیان و کسب امتیازات همراه آورد. در انزلی سرویس کشتیرانی در دست دو شرکت اروپایی به نامهای « کمپانی روسی قفقاز و شرکت مرکوری [۶] » بود، که از بادکوبه به انزلی رفت وآمد می کردند. امّا بنابر عهدنامه ترکمنچای ایران حق کشتیرانی در دریای خزر را نداشت. البته مسلم بود که اگر ایران دارای چنین حقی هم بود توان ایجاد یک شرکت تجاری دریانوردی که قدرت رقابت با شرکتهای اروپایی را داشته باشد

را نداشت. کمپانی « زیگلر » در بوشهر شروع به اقدامات تجاری نمودو در « بوشهر، شیراز، یزد، کرمان، طهران ، مامورین، داردو... متصدی امور حمل ونقل می گردند.»[۷]

همینطور می توان از شرکت کشتیرانی « رانی لبد » ، « شرکت بحرخزر » ، « دروجنا » ، « شرکت کشتی رانی ماسیس » ، « شرکت برادران کانسکی » و « کمپانی کوسیس » نام برد.

ابوت از وجود کمپانیهای یونانی در تبریز گزارش می دهد و می نویسدکه : «با آگاهی از این مسأله که تجار ایرانی آمادگی انجام تجارت سالمی نسبت به سابق با استانبول را ندارند، تصمیم گرفتند برای خود عمالی در این مملکت مستقر سازند تا بدین نحو با مشتریان کالاهایشان دررابطهٔ نزدیک باشند.[۸]» البته این شرکت با مخالفت شدید تجار ایرانی روبرو گردید وحتی اتحادی بوجود آمد که از تجار اروپایی ویونانی چیزی نخرند و سعی کردند که تجار خرده پا رانیز با خود همراه نمایند. (در فصول بعد به مشروح توضیح خواهیم داد) اما مسلم است که روسیه حمایت شدیدی از این یونانیها به عمل می آورد و وقتی که روسیه از این شرکتهای یونانی حمایت می کرد به قول چارلزعیسوی « تجار ایرانی از صدر اعظم و شاه هیچ گونه حمایتی نمی بینند.»[۹]

دنیس رایت (Denis Wright) گزارش می دهد که تجارت تبریز «در دست پنج تجارتخانه بود که اغلب گردانندگان آنها یونانیان بودند، که یا تحت حمایت روس و یا تحت حمایت عثمانی بودند.»[۱۰]

روسها معمولاً تعدادی از تجار قفقازی که با ایران رابطهٔ تجاری داشتند را تشویق می کردند که سمت و عنوان « تاجرباشی » (به روسی agent ، نماینده سیاسی) را بپذیرند بطوریکه نویسنده آثار عجم می نگارد : « جناب حاجی‌عباس‌هم‌تاجرباشی‌است‌وهم اگنت و وکیل روس است، مولدش اردوباد می باشد، مرحوم والدش حاجی جلیل بوده از مشاهیر تجار، و خود مشارالیه چهل سال است در شیراز سکونت دارد و انتظام امور تجار روسیه به کف کفایت اوست[۱۱]». معمولاً روسها در اکثر شهرهای شمالی ایران یک تاجر باشی داشتند. مثلاً در مشهد، قزوین و... سوای این مسأله تعدادی از تجار معروف تبعهٔ روس در گیلان سکونت داشتند. بطوریکه در گیلان، تجار تبعهٔ روس

عبارت بودند از: « حاجی اکبر قلب، حاجی زین العابدین حاتم، حاجی آقاکریم اف، حاجی میرزا[۱۲]محمد ارباک.» همینطور تاجرین ایرانی نیز بودند که خود را تحت حمایت روس در آورده بودند.

بطور کلی موسسات عمدهٔ تجاری روس درایران تازمان جنگ جهانی اول عبارت بودند از: «تجارتخانهٔ سوریان کوسیچ (Severian Koseych)، که به واردکردن چینی آلات و بلور آلات در تهران اشتغال داشت. ادارهٔ حمل ونقل ایران، شرکت تجارتی روس و ایران ، کمپانی کشتی تجاری روس ، تجارتخانهٔ آرزومانوف، شرکت برادران نوبل، کمپانی استاکن (Stuken) ، شرکت برادران زیزینف (Zenzinov)، تجارتخانه لیانوزف ، تجارتخانه باراتسکی (Barutskii)، تجارتخانه مارک بندیکت(Marc Benedict) ، شرکت تولیدات صنعتی لودویک روبنک(Ludwig Rubenek)، تجارتخانه اصلانیانس ، کمپانی بیمه رسیا(Rossia) ، تجارتخانه پروخورف(Prokhorov)، کمپانی تجاری رُزنبلوم(Rosenblum) ، شرکت تجارتی پرووِدنیک (Provodnik)، تجارتخانه ترمیکیر تیرشف (Ter Mikirtirshov)، تجارتخانهٔ نیکولا آواعیننایس، کمپانی اوسر[۱۳](Osser) .»

کمپانیهای انگلیس درایران عبارت بودند از:(« شرکت انگلیسی میلز(Mills and co) ، شرکت رالی وآنجلاستو (Ralli and angclasto) که تحت حمایت بریتانیا بود وبوسیله پنج تاجر یونانی الاصل تأسیس شده بود وبه واردکردن قماش منچستر و صدورابریشم گیلان می پرداخت. شرکت هاتس وپسر(Hotz and son) (« تجارتخانهٔ خارجه هاتس معاملاتش فروش اقمشه و امتعه دیگر است رئیس این اداره دنلاپ صاحب است... ووی هالندی است »)[۱۴] البته این شرکت در لندن به ثبت رسیده بود. شرکت مویسروتویبدی، (messers . Muir tweedy and co) که بعداً به شرکت تجارتی خلیج‌فارس (Persian Gulf trading company) تغییر نام داد، شرکت گری ـ پل (Gray, Pauland co)، شرکت گری ـ مکنزی (Gray Makenzie) ، شرکت هیلدر برانت استیونس وپسر (Hild.B.Stevensand co) ، شرکت برادران

لینچ (Lynch brothers) ، شرکت لیوینگستن (Living ston) ، تجارتخانهٔ ملکم (Malcolm) ، کمپانی دیکسن (Dixon) ، تجارتخانه سایکس (Sykes) ، کمپانی فوربس (Forbes) ، کمپانی دیوید اسکات (C.scoott)، شرکت هودز (Hoods) ، کمپانی برادران شومان [۱۵] (Schumann.»)

نمایندگی تعدادی از این شرکتهای انگلیسی با تجار ایرانی بود. بطوریکه حاجی عبدالرحیم تاجر شیرازی مدیر کمپانی تجارتی فارس ، نمایندگی شرکت مویسر وتوییدی را داشت و « حاجی میرزا محمود کازرونی بزرگترین تاجر شیراز عامل شرکت دیوید ساسون بود و میرزا محمد صادق دهدشتی تاجر شیرازی عامل شرکتهای زیگلر، گر ی - پل بود. حاجی آقا محمد صدر ملک التجار اصفهانی ثروتمندترین و متنفذترین تاجر اصفهان شریک وعامل دیوید ساسون بود وحاجی علی اکبر یزدی نمایندگی شرکتهای زیگلر و هاتس را داشت.» [۱۶]

انگیسی ها از تجار هندی نیز برای پیشبرد اهداف تجاری خود استفاده میکردند. این تجار معمولاً درکرمان وشیراز و یزد و... فعالیت داشتند. به طوریکه براساس یک گزارش کنسولی ازکرمان « عده‌ای تجار هندی که نمایندهٔ تجار ثروتمند شکرپور بودند،تقریباً تمام واردات از هند را دراختیار داشتند، وبه عملیات صرافی و مرابحه کاری نیز اشتغال داشتند.[۱۷] همینطور عده‌ای از تجار معتبر ایرانی به دلایل مختلف خود را تحت الحمایهٔ انگلستان در آوردند مانند« حاج عبدالکریم و حاج محمدقوام التجار، تاجران مشهدی که از معتبران و بزرگان مشهد بوده وتابعیت بریتانیا را داشتند ، هم چنین حاجی‌میرزامحمود مشکی از تجار معتبر و متنفذ اصفهان که تحت الحمایه انگلستان بوده است.» [۱۸]

صرفنظر از شرکتهای یاد شده ، انگلستان یک شبکهٔ کشتیرانی بزرگ درخلیج فارس تشکیل داد که فعالیتهای تجاری جنوب ایران را انجام میداد. مهم ترین این کمپانیهای کشتیرانی عبارتند از کمپانی «داربی» و«اندرو» که از انگلستان به بوشهر سرویس داشتند. همینطور روسها نیز در دریای خزر شبکه کشتیرانی عظیمی داشتند. به طوریکه بنابر گزارش کنسول انگلیس در سال ۱۸۴۴ تعداد ۱۴ کشتی بخاری روسی در رشت مال التجارهٔ وارده و صادره را حمل می کردند.